

به نام خدا

# نقش آموزگار ابتدایی در تقویت حس تعلق اجتماعی کودکان

مؤلف:

مهدی جعفری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : جعفری ، مهدی ، ۱۳۷۴  
عنوان و نام پدیدآور: نقش آموزگار ابتدایی در تقویت حس تعلق اجتماعی کودکان / مولف: مهدی جعفری  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۱۶ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۸۶۵-۰  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه.  
موضوع : نقش آموزگار ابتدایی - تقویت حس تعلق اجتماعی کودکان  
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : نقش آموزگار ابتدایی در تقویت حس تعلق اجتماعی کودکان

مولف : مهدی جعفری

ناشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴

چاپ : زیر جلد

قیمت : ۱۵۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://:chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۸۶۵-۰

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: بنیان‌های شکل‌گیری پیوند اجتماعی در سال‌های ابتدایی	۹
ماهیت پیوندهای عاطفی در سال‌های نخست مدرسه:	۱۲
نقش تجربه‌های روزانه در شکل‌گیری احساس پیوستگی:	۱۵
تأثیر الگوهای رفتاری در ساختارگیری ارتباطات پایدار:	۱۸
اهمیت محیط یادگیری آرام در تقویت احساس نزدیکی:	۲۱
کارکرد توجه مستمر آموزگار در تثبیت آرامش عاطفی:	۲۴
فصل دوم: سازوکارهای تربیتی برای پرورش همبستگی در کلاس	۲۹
تقویت همکاری در گروه‌های کوچک:	۳۲
هدایت رفتارها به سوی احترام پایدار:	۳۶
الگوسازی برای همیاری مداوم:	۴۰
گسترش فرصت‌های یادگیری مشارکتی:	۴۴
پرورش روحیه توجه به دیگران از طریق فعالیت‌های روزمره:	۴۸
فصل سوم: روش‌های آموزشی برای تقویت احساس عضویت در جمع	۵۳
سازمان‌دهی تجربه‌هایی که پیوند میان فراگیران استوار می‌کند:	۵۶
بهره‌گیری از داستان‌گویی برای تقویت درک مشترک:	۵۹
ایجاد جریان‌های ارتباطی که فهم دوطرفه را افزایش می‌دهد:	۶۲
تقویت مهارت‌های ارتباطی با هدف ایجاد پیوند پایدار:	۶۹
فصل چهارم: نقش آموزگار در هدایت روابط و جلوگیری از گسست اجتماعی	۷۳
تشخیص نشانه‌های دوری عاطفی و مداخله آرام:	۷۶

۷۸.....	پیشگیری از انزوا از طریق فعالیت‌های هدایت‌شده:
۸۱.....	مدیریت موقعیت‌هایی که روابط را شکننده می‌کند:
۸۴.....	تسهیل همدلی در شرایط اختلاف:
۸۷.....	ایجاد هماهنگی میان تجربه‌های فردی و جمعی:
۹۱....	<b>فصل پنجم: راهبردهای مدرسه‌محور برای تثبیت هویت اجتماعی فراگیران</b>
۹۴.....	ایجاد پیوند میان خانه و مدرسه:
۹۹.....	گسترش پروژه‌هایی که حس مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد:
۱۰۲.....	هدایت تجربه‌هایی که درک نقش فرد در جمع را تقویت می‌کند:
۱۰۴.....	پرورش نگرش مثبت به مشارکت در محیط مدرسه:
۱۰۷.....	نتیجه‌گیری:
۱۱۳.....	<b>منابع</b>

## مقدمه

نقش آموزگار در دوره ابتدایی به عنوان نخستین همراه آموزشی کودک جایگاهی منحصر دارد و همین جایگاه سبب می‌شود هر تعامل در کلاس مسیر رشد شخصیت او را شکل دهد. فضای یادگیری در این مقطع به دلیل نزدیکی عاطفی میان کودک و مربی بستری فراهم می‌کند تا هر پیام رفتاری در ذهن کوچک او به عنوان الگوی پایدار حک شود. در چنین فضایی مفهوم تعلق اجتماعی به عنوان زمینه‌ای برای رشد روانی و اخلاقی آرام آرام در ذهن او شکل می‌گیرد و این شکل‌گیری نیازمند هدایت متفکرانه مربی است. کودک در سال‌های آغازین زندگی تحصیلی در جست‌وجوی آرامش در جمع و احساس امنیت در کنار دیگران است و این نیاز اگر با حمایت مستمر آموزگار همراه شود می‌تواند بنیانی برای ساختن آینده‌ای آگاهانه ایجاد کند. پیوندی که در این دوران ایجاد می‌شود ریشه بسیاری از رفتارهای آتی او خواهد بود و نقش مربی در تقویت این پیوند جایگاه ویژه‌ای دارد.

هنگامی که کودک وارد کلاس می‌شود تجربه زیستن با دیگران را از نو می‌آموزد و هر رفتار کوچک می‌تواند نشانه‌ای برای او باشد تا معنای بودن در جمع را درک کند. آموزگار با گفتار آرام و رفتار سنجیده خود به او می‌آموزد که جمع جایی برای رشد و یادگیری است و این پیام زمانی تاثیرگذار می‌شود که در تمام لحظه‌ها استمرار یابد. فضای مدرسه محیطی است که در آن کودک تنوع رفتارها، تفاوت ویژگی‌ها و گستره احساسات را مشاهده می‌کند و این مشاهده اگر در مسیر درست هدایت نشود می‌تواند زمینه تنش‌های درونی را افزایش دهد. در چنین شرایطی حضور مربی به عنوان محور اصلی نظم روانی کلاس اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هر لحظه کلاس فرصتی است برای تقویت احساس ارتباط با دیگران و هر فرصت اگر به شکلی سنجیده مدیریت شود می‌تواند کودک را با معنای همبستگی درونی آشنا کند.

کودک در این مرحله زندگی دارای ذهنی انعطاف‌پذیر و پذیرای تاثیرات محیطی است و این ویژگی باعث می‌شود که هر پیام رفتاری آموزگار اثر عمیق‌تری داشته باشد. وقتی او

نگاه مهربان مربی را می‌بیند احساس امنیت می‌کند و این احساس امنیت به او جرئت بیان تجربه‌ها را می‌دهد. بیان تجربه‌ها راهی است برای نزدیک شدن به جمع و این نزدیکی زمانی پایدار می‌شود که معلم بتواند تعامل میان فراگیران را آرام و پیوسته مدیریت کند. ایجاد فضایی که در آن هیچ کودک احساس فاصله نکند نیازمند دقت فراوان است و این دقت زمانی به ثمر می‌نشیند که مربی هر روز نقش خود را نه به عنوان انتقال‌دهنده دانش بلکه به عنوان همراه رشد اجتماعی کودکان بپذیرد. کلاس ابتدایی مکانی است که در آن هویت اجتماعی کودک از طریق تجربه‌های روزمره شکل می‌گیرد و این شکل‌گیری نیازمند هدایت پیوسته است.

در این محیط هر کودک با پیشینه عاطفی متفاوت قدم می‌گذارد و همین تفاوت‌ها سبب می‌شود وظیفه آموزگار در ایجاد فضای همدلانه مهم‌تر شود. او باید بتواند تفاوت‌های فردی را درک کند و در دل همین تفاوت‌ها زمینه‌ای برای پیوند گروهی خلق کند. زمانی که کودک احساس می‌کند هویت او در جمع پذیرفته می‌شود رابطه عمیق‌تری با محیط برقرار می‌کند. این رابطه مسیر رشد او را دگرگون می‌سازد و باعث می‌شود بیشتر در فعالیت‌ها شرکت کند و سرزندگی بیشتری در رفتارهایش دیده شود. هر نشانه کوچک از توجه آموزگار می‌تواند به کودک انگیزه دهد تا در جمع حضور فعال‌تری داشته باشد. این حضور فعال ساختاری برای رشد مشارکت اجتماعی او ایجاد می‌کند و آرام آرام او را به فردی تبدیل می‌کند که توانایی زندگی گروهی را بهتر می‌آموزد.

نقش آموزگار تنها هدایت فعالیت‌های یادگیری نیست بلکه ایجاد تعادل میان احساسات گوناگون کودکان نیز اهمیت دارد. مدیریت احساساتی که در ذهن کودک فوران می‌کند نیازمند آرامش مربی است و این آرامش باعث می‌شود کودک در کنار او احساس ثبات کند. ثبات عاطفی مسیر ایجاد حس پیوند با جمع را تقویت می‌کند و باعث می‌شود کودک به کلاس به عنوان فضایی امن نگاه کند. همین نگاه سبب می‌شود که او به فعالیت‌ها اعتماد داشته باشد و روابط خود را با دیگران به شکل طبیعی‌تری بسازد. تعامل‌هایی که در این مرحله شکل می‌گیرد به کودک می‌آموزد که چگونه با دیگران گفتگو کند چگونه با تفاوت‌ها کنار بیاید و چگونه در لحظه‌های پیچیده تصمیم درست بگیرد. همه این مهارت‌ها در سال‌های بعد به عنوان پایه‌های هویت اجتماعی او عمل خواهند کرد.

کودکی که بتواند در جمع احساس آرامش کند توانایی بیشتری برای پذیرش مسئولیت‌های فردی خواهد داشت. این توانایی سبب می‌شود او قدم‌های مطمئن‌تری بردارد و هنگام مشارکت در فعالیت‌ها انگیزه بیشتری نشان دهد. انگیزه‌ای که از امنیت روانی ریشه می‌گیرد می‌تواند کیفیت یادگیری را افزایش دهد و از او فردی بسازد که توانایی حضور سازنده دارد. زمانی که کودک با حضور معلم احساس احترام می‌کند احترام به دیگران نیز در ذهن او شکل می‌گیرد. این شکل‌گیری به تدریج او را با ارزش‌های انسانی آشنا می‌کند و باعث می‌شود رفتارهایی مانند همدلی و مهربانی در وجودش پررنگ‌تر شود. این ارزش‌ها هسته اصلی حس تعلق اجتماعی هستند و تقویت آنها نیازمند توجه دقیق و پیوسته مربی است.

پیوند اجتماعی در کلاس زمانی استوار می‌شود که محیط به صورت پیوسته جو آرام و همدلانه خود را حفظ کند. این حفظ جو مستلزم رفتار آگاهانه آموزگار است چون هر رفتار کوچک او می‌تواند کلاس را به سوی انسجام یا گسست هدایت کند. ایجاد زبان مشترک در تعامل‌ها از اهم وظایف مربی است و این زبان مشترک باعث می‌شود که هر کودک خود را بخشی از جمع بداند. احساس بخشی از جمع بودن زمینه‌ای برای تقویت هویت جمعی فراهم می‌کند و این هویت در تمام لحظه‌های زندگی آینده کودک نقش خواهد داشت. زمانی که کودک یاد می‌گیرد چگونه در جمع حضور مؤثر داشته باشد آمادگی بیشتری برای ورود به جامعه خواهد یافت و این آمادگی نتیجه تلاش آرام و پیوسته مربی است.



## فصل اول

### بنیان‌های شکل‌گیری پیوند اجتماعی در سال‌های ابتدایی

در سال‌های آغازین ورود به محیط آموزشی جریان آرامی در ذهن کودک شکل می‌گیرد که طی آن تجربه‌های نخستین او از حضور در کنار دیگران باعث ایجاد ساختاری تازه در عمق شخصیت می‌شود و این ساختار در ادامه مسیر زندگی او نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت. وقتی کودک برای نخستین بار پا به فضای رسمی یادگیری می‌گذارد نگاه ساده و شفاف خود را همراه می‌آورد و همین نگاه ساده نیازمند هدایت آگاهانه است تا بتواند به سوی ایجاد رابطه‌ای سازنده با دیگران سوق یابد. در این مرحله هر حرکت کوچک که از سوی مربی صورت می‌گیرد پیام مستقیمی برای ذهن او دارد و این پیام به گونه‌ای آرام در حافظه عاطفی‌اش ثبت می‌شود. تشکیل تدریجی این خاطره‌ها مسیری فراهم می‌کند تا نگاه او نسبت به محیط و افراد اطراف جهت پیدا کند و همین جهت‌گیری زمینه‌ای برای پیدایش احساس نزدیکی با جمع ایجاد می‌کند. اگر فضای یادگیری با نظم درونی همراه باشد ذهن کودک اعتماد بیشتری پیدا می‌کند و این اعتماد او را به پذیرش رفتارهای جدید سوق می‌دهد. پذیرش این رفتارها پایه‌ای می‌شود برای ایجاد لحظه‌هایی که در آن کودک آرام آرام درک می‌کند که بودن در کنار دیگران می‌تواند امنیت درونی او را افزایش دهد.

هر بار که کودک صدای آرام مربی را می‌شنود یا نگاه مطمئن او را تجربه می‌کند لایه‌ای جدید از حس اطمینان در ذهنش شکل می‌گیرد و این لایه‌ها در تداوم روزهای مدرسه به تدریج تبدیل به شبکه‌ای احساسی می‌شود که رفتارهای آینده او را جهت می‌بخشد. در چنین فرایندی ساختار درونی شخصیت کودک همچون زمین حاصلخیزی عمل می‌کند

که پیام‌های مربوط به تعامل در آن کاشته می‌شود و هر پیام زمانی می‌تواند رشد کند که محیط پیرامون مانعی ایجاد نکند. کلاس در این مرحله نقشی به‌سان بستر رشد روابط دارد و هر گوشه آن فرصتی است که در آن رفتارهای ساده می‌توانند اثری عمیق برای سال‌های آینده داشته باشند. تعامل‌هایی که در میان کودکان شکل می‌گیرد اگر با هدایت مربی همراه باشد می‌تواند کودکی را که هنوز شناخت دقیقی از روابط ندارد به سوی ایجاد تصویری شفاف از معنای زندگی گروهی هدایت کند. این تصویر زمانی جذاب‌تر می‌شود که او در میان فعالیت‌های روزانه خود لحظه‌هایی از پذیرش و احترام را مشاهده کند زیرا همین مشاهده باعث تقویت جریانی می‌شود که در ادامه صمیمیت بیشتری میان او و جمع ایجاد می‌کند.

حضور آرام مربی در فضای کلاس همچون جریان ثابتی عمل می‌کند که به رفتارها ثبات می‌بخشد و این ثبات مهم‌ترین مؤلفه ایجاد حس نزدیکی با دیگران است. هنگامی که کودک می‌بیند اطراف او سرشار از پیام‌های هماهنگ است ذهنش نسبت به محیط احساس امنیت بیشتری می‌کند و این احساس باعث می‌شود که رفتارهای او شکل طبیعی‌تری پیدا کند. طبیعی شدن رفتارها مسیر را برای نزدیک شدن به جمع هموار می‌کند و این نزدیکی زمانی عمیق‌تر می‌شود که کودک بتواند تجربه‌های خود را بدون نگرانی بیان کند. بیان تجربه‌ها لحظه‌ای است که در آن او احساس می‌کند صدای او ارزش دارد و این ارزشمندی یکی از مؤثرترین عناصر برای گسترش پیوندهای انسانی است. در چنین لحظه‌هایی کودک درمی‌یابد که در کنار دیگران بودن تنها حضور فیزیکی نیست بلکه مشارکت در یک جریان مشترک است که می‌تواند معنا و هویت او را شکل دهد.

هر روزی که در فضای کلاس سپری می‌شود فرصتی است برای مربی تا با رفتارهای خود روند شکل‌گیری این جریان را تقویت کند. او می‌تواند با گفتار سنجیده و برخورد همراه با آرامش فرایندی ایجاد کند که در آن کودک نه تنها تفاوت‌ها را می‌پذیرد بلکه از آنها مفهومی برای درک گستره وسیع انسان‌ها می‌سازد. پذیرش تفاوت‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که کودک احساس کند ارزش او مستقل از موقعیت دیگران است و این احساس در گرو

رفتار مربی است. مربی با احترام به ویژگی‌های گوناگون کودکان به آنها نشان می‌دهد که وجود هر فرد در جمع معنا دارد و این معنا زمانی درونی‌تر می‌شود که روابط بر پایه احترام دوطرفه شکل بگیرد.

در جریان تعامل روزانه هنگامی که کودک رفتارهای هماهنگ و پاسخ‌های آرام مربی را شاهد است یاد می‌گیرد که روابط نیازمند استمرار هستند و استمرار مهم‌ترین عامل برای شکل‌گیری احساس درونی از همراهی است. این احساس زمانی قوت بیشتری می‌گیرد که کودک تجربه کند تلاش او برای همکاری اهمیت دارد و این اهمیت به او اعتماد می‌دهد تا در موقعیت‌های بعدی حضور فعال‌تری داشته باشد. حضور فعال کودکان در فعالیت‌های مشترک منجر به توسعه روندی می‌شود که در آن هر کودک احساس می‌کند وجودش بخشی از سازوکار کلی کلاس است و این احساس بخش بودن از یک کل بزرگ‌تر پایه‌ای است برای ایجاد پیوندهای پایدارتر.

هر بار که کودک در جمع قرار می‌گیرد با مجموعه‌ای از نشانه‌های رفتاری روبه‌رو می‌شود که هر یک می‌تواند تأثیری در ذهن او بر جای بگذارد. اگر این نشانه‌ها در هماهنگی با رفتار مربی باشد ذهن کودک مفهوم وحدت درونی کلاس را بهتر درک می‌کند و این درک سبب می‌شود که مسیر پیوند او با جمع هموارتر شود. از سوی دیگر هنگامی که کودک در موقعیتی قرار می‌گیرد که میان تجربه‌های فردی و جمعی تضادی احساس می‌کند نقش مربی در ایجاد توازن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. او می‌تواند با گفتاری آرام و رفتاری سنجیده کودک را از فضای تنش دور کند و به سوی هماهنگی درونی سوق دهد. هماهنگی درونی زمانی شکل محکم‌تری به خود می‌گیرد که کودک بتواند بدون ترس احساسات خود را بیان کند و بیان این احساسات راهی برای نزدیک‌تر شدن او به دیگران است. روزهایی که کودک در محیط یادگیری سپری می‌کند لحظه‌هایی هستند که در آن ساختار ذهنی او نسبت به ارتباطات انسانی شکل می‌گیرد و این شکل‌گیری هر قدر آرام‌تر و پیوسته‌تر باشد پایه‌ای محکم‌تر ایجاد می‌کند. کودکی که بتواند در کنار دیگران احساس راحتی کند توانایی بیشتری برای پذیرش مسئولیت خواهد داشت و همین توانایی او را

آماده می‌کند تا در سال‌های بعد روابط عمیق‌تری برقرار کند. همیشه زمانی که کودک در جمع حضور دارد نگاهی آرام به رفتارهای مربی می‌اندازد و این نگاه باعث می‌شود پیام‌های رفتاری در ذهن او تثبیت شود. اگر این پیام‌ها مبتنی بر آرامش باشند جریان درونی او جهت درست پیدا می‌کند و این جهت‌گیری مهم‌ترین عامل برای ایجاد احساس درونی از همراهی با جمع است.

حضور در فضای یادگیری بدون سازوکارهای احساسی نمی‌تواند مسیر رشد کودک را تکمیل کند و همین سازوکارها هستند که کیفیت روابط را افزایش می‌دهند. هر لحظه‌ای که در آن کودک احساس می‌کند شنیده می‌شود حس نزدیکی او به دیگران تقویت می‌شود. هر بار که رفتار مربی نشان می‌دهد پذیرش وجود دارد کودک می‌آموزد که جمع می‌تواند محلی امن باشد. هر موقع که کودک مشاهده می‌کند تعامل‌ها بر پایه توجه و آرامش شکل می‌گیرد درک او نسبت به حضور در جمع عمیق‌تر می‌شود و این درک به مرور باعث شکل‌گیری ساختاری در ذهن او می‌شود که در آن روابط انسانی دارای ارزش ذاتی هستند. این ساختار به عنوان زمینه‌ای برای زندگی آینده او عمل می‌کند و هر تجربه‌ای که در این دوران ثبت می‌شود در سال‌های بعد مسیر زندگی او را هدایت خواهد کرد.

### ماهیت پیوندهای عاطفی در سال‌های نخست مدرسه:

در لحظه‌هایی که کودک برای نخستین بار وارد فضایی می‌شود که در آن صداهای تازه، چهره‌های ناشناخته و حرکت‌های متفاوت جریان دارد درونی‌ترین لایه‌های احساس او با موجی آرام روبه‌رو می‌شود که در ادامه زندگی‌اش نقش تعیین‌کننده خواهد داشت و همین موج آغاز ساختن کیفیتی درونی است که به مرور زمان معنا پیدا می‌کند. در حضور چهره‌ای ثابت که با لحنی آرام سخن می‌گوید ذهن کودک اندک‌اندک احساس می‌کند در محیطی قرار گرفته که می‌تواند به آن تکیه کند و این تکیه‌گاه به‌صورت تدریجی در عمق وجودش جا باز می‌کند و ساختاری تازه برای ادراک او می‌سازد. هر بار که نگاه بزرگسال با ملایمت بر چهره او می‌نشیند لحظه‌ای شکل می‌گیرد که در آن ذهن کودک توفقی

کوتاه می‌کند تا این نشانه را جذب کند و این جذب شدن زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا اولین رگه‌های اطمینان در او زنده شود. اطمینانی که از دل چنین لحظه‌هایی می‌روید به گونه‌ای آرام در جریان روزهای بعدی زندگی مدرسه‌ای او حرکت می‌کند و مسیر احساساتش را منظم‌تر می‌سازد.

وقتی کودک درمی‌یابد که چهره‌های اطراف در حال تکرار هستند و لحن بزرگسالان همیشه هماهنگی درونی دارد احساس او نسبت به محیط قابلیت پیش‌بینی پیدا می‌کند و همین قابلیت یکی از مهم‌ترین عناصر رشد احساسی اوست. هر چه حضور در این فضای آشنا ادامه پیدا کند رفتارهای او طبیعی‌تر می‌شود و این طبیعی شدن نشان می‌دهد که ذهنش توانسته است نشانه‌هایی از ثبات را دریافت و درونی‌سازی کند. این درونی‌سازی به شکلی آرام و بدون وقفه در لایه‌های ذهن او جریان می‌یابد و در لحظه‌هایی که دچار تنش می‌شود به کمکش می‌آید. در چنین فضایی هر واکنش بزرگسال پیام مستقیمی برای کودک دارد و این پیام‌ها در سکوت ذهن او ذخیره می‌شود و تبدیل به بخشی از هویت احساسی‌اش خواهد شد.

هنگامی که او در فعالیت‌های روزانه صدایی آرام می‌شنود و حرکتی هماهنگ مشاهده می‌کند به گونه‌ای ناخودآگاه احساس می‌کند رفتارهای اطراف قابل اتکا هستند و این اتکا اعتماد بیشتری در او ایجاد می‌کند. این اعتماد در ادامه باعث افزایش آمادگی او برای بیان تجربه‌هایش می‌شود و بیان تجربه‌ها یکی از مهم‌ترین لحظه‌هایی است که از طریق آن پیوندهای عمیق درونی شکل می‌گیرد. او زمانی که درمی‌یابد بازگویی احساساتش با پذیرفتگی روبه‌رو می‌شود معنای تازه‌ای از حضور در جمع پیدا می‌کند و همین معنا زمینه‌ای می‌شود برای رشد ارتباطات پایدار در آینده. چنین تجربه‌هایی هرچند کوتاه اما در ذهن کودک نقش ماندگاری دارند و به‌صورت رشته‌ای از لحظه‌های تقویت‌کننده عمل می‌کنند که ساختار احساسی او را غنی‌تر می‌سازد.

در جریان روزهای پررفت‌وآمد مدرسه زمانی پیش می‌آید که کودک دچار اشتباه می‌شود یا در برخورد با دیگران احساسی ناخوشایند تجربه می‌کند و درست در همین نقطه حضور آرام بزرگسال کیفیتی حیاتی پیدا می‌کند. آرامشی که در رفتار همراه آموزشی مشاهده می‌شود او را از فرورفتن در اضطراب حفظ می‌کند و کمک می‌کند تا دوباره تعادل خود را به دست آورد. هر بار که این بازیابی آرام انجام می‌شود ذهن کودک لایه جدیدی از توان مدیریت احساسات را می‌آموزد و همین یادگیری در سال‌های بعد در برخورد با موقعیت‌های دشوار یاری‌رسان او خواهد بود. تداوم این روند سبب می‌شود ذهن او جایگاه فردی را که ثبات رفتاری دارد به عنوان نقطه مرجع بشناسد و این شناخت احساسی از امنیت ایجاد می‌کند که در هیچ تجربه دیگری به این کیفیت دست نخواهد یافت.

وقتی کودک در میان فعالیت‌های جمعی قرار می‌گیرد و مشاهده می‌کند تعامل‌ها با نرمی و هماهنگی هدایت می‌شود برداشت او از روابط انسانی روشن‌تر می‌شود و درک می‌کند که می‌تواند بدون ترس وارد جریان‌های مشترک شود. این برداشت آرام آرام در ذهنش تثبیت می‌شود و تبدیل به نیرویی می‌گردد که او را به سوی مشارکت بیشتر هدایت می‌کند. مشارکت در جمع، حتی اگر ساده باشد، نشانه‌ای است از اینکه فضای پیرامون توانسته است احساس او را به نقطه‌ای برساند که آماده پیوند با دیگران باشد و همین آمادگی به‌صورت پنهان ریشه‌های آینده روابط پایدار او را شکل می‌دهد. هر حرکت کوچک دوستانه‌ای که میان او و دیگران رخ می‌دهد به‌عنوان تجربه‌ای معنادار در ذهنش باقی می‌ماند و این تجربه‌ها شبکه‌ای می‌سازند که در آن احساس نزدیکی با محیط تقویت می‌شود.

در بسیاری از لحظه‌ها هنگامی که او نام خود را با لحنی آرام می‌شنود یا حرکتی تأییدکننده دریافت می‌کند موجی از ارزشمندی در دلش به جریان می‌افتد و این موج از درونی‌ترین عناصر تقویت ارتباطات آینده است. زمانی که احساس می‌کند تلاش‌هایش دیده می‌شود به تدریج باور می‌کند که وجودش در جمع معنا دارد و این معنا انگیزه‌ای درونی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود رفتارهایش آگاهانه‌تر، آرام‌تر و پیوسته‌تر شود. استمرار چنین

رفتارهایی نشانه‌ای از شکل‌گیری ساختاری است که در آن کودک توانسته است میان احساس درونی و رفتار بیرونی هماهنگی ایجاد کند و این هماهنگی پایه‌ای برای رشد شخصیت او خواهد بود.

در روزهایی که او شاهد عبور آرام موقعیت‌های تنش‌زا از کنار رفتارهای سنجیده بزرگسال است ذهنش می‌آموزد که زندگی در جمع نیازمند توان مدیریت احساسات و واکنش‌های سنجیده است و این آموختن درونی یکی از مهم‌ترین هدیه‌های این دوره است. همین هدیه در آینده به او کمک می‌کند تا در موقعیت‌هایی که دچار ناآرامی می‌شود با یادآوری تجربه‌های پایدار گذشته خود را بهتر تنظیم کند. این تنظیم درونی همان کیفیتی است که بعدها به او توان نزدیک شدن به دیگران را خواهد داد و مسیر زندگی اجتماعی‌اش را شکل می‌دهد.

### نقش تجربه‌های روزانه در شکل‌گیری احساس پیوستگی:

جریان تجربه‌های روزانه در آغاز مسیر آموزشی کودکان زمینه‌ای زنده برای ساخت پیوستگی فراهم می‌کند و هر لحظه از تعاملات کوچک می‌تواند بذر انسجام درونی را در ذهن آنان پرورش دهد. ارتباط‌های مکرر با محیط، نیروهای احساسی را فعال می‌سازد و فضای روانی سازگاری را شکل می‌دهد تا کودک در فراز و نشیب فعالیت‌ها معنا و امنیت را بیابد. حضور در جمع، مشارکت در بازی‌ها، لمس فضاها، مشترک و مواجهه با موقعیت‌های جدید موجب می‌شود ذهن کودک راه‌های تازه‌ای برای پذیرش دیگران خلق کند و احساس آرامی از بودن در کنار جمع به تدریج جان بگیرد.

چرخه‌های رفتاری که از صبح تا پایان روز رخ می‌دهد اعتماد را به عنوان ستون پشتیبان رشد پیوندها تقویت می‌کند و مسیر نفوذ شناختی روابط را گسترش می‌دهد تا کودک فضای مدرسه را امتداد دنیای درونی خود احساس کند. بیداری صبحگاهی و قدم گذاشتن در محیط آموزشی نخستین برخورد کودک با جریان اجتماعی روز است و کیفیت این لحظه آغازین قادر است روحیه پذیرش او را دگرگون کند. استقبال گرم، واژه‌های